

# از نسل روشنفکران دهه هفتادی

## کوتاه درباره مصطفی ملکیان

### محسن آزموده

دهه 1370 خورشیدی، دهه درخشش روشنفکری ایران بود و ظهور روشنفکرانی از لونی دیگر، فرونشستن تب و تاب انقلاب، پایان جنگ و دیگر شدن راه و رسم حاکمیت سیاسی که نخست با تغییر سیاست‌های اقتصادی و عرضه رویکردهای جدید در عرصه سیاست بین‌الملل همراه بود، در عرصه فرهنگ هم تاثیر گذاشت و در تحول سبک زندگی مردم، باز شدن فضا برای مطبوعات و نشر و تنوع و دگرذیسی عرصه روشنفکری نمود یافت. روشنفکران ایرانی از اواخر دهه 1360 و اوایل دهه 1370 مجال آن را یافتند نخست با نشر کتاب‌های تالیفی و ترجمه‌ای و مجلات روشنفکری و سپس با حضور در روزنامه‌های کثیرالانتشار و شرکت در جلسات بحث و گفت‌وگوی آزاد در دانشگاه‌ها و انجمن‌ها و محفل‌های غیررسمی‌تر، سکوت خود را بشکنند و به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود پردازند. دیگر عرصه روشنفکری مثل سال‌های پایانی دهه‌های 1340 و 1350 ملک طلق روشنفکران چپ‌گرای ارتدوکس و حزبی نبود، مثل دهه 1360 هم نبود که عرصه فرهنگی تنها در اختیار اسلام‌گرایان انقلابی و طرفداران حاکمیت باشد. جریان‌های روشنفکری در این دهه تنوع و تکثری قابل ملاحظه یافتند، چپ‌گرایان نوگرا یا نوچپ‌گرایان، روشنفکران دینی، روشنفکران عرفی، پست‌مدرن‌ها، ملی‌گرایان، چپ‌گرایان قدیمی، سنت‌گرایان، فردیدی‌ها، کانون نویسندگان مهم‌ترین این جریان‌ها بود. درون هر کدام از این جریان‌ها، افراد و گروه‌ها و زیرشاخه‌های متفاوتی قابل تمییز بود.

بنا به سیاست روز، جریان روشنفکری دینی پر سر و صداترین این جریان‌ها محسوب می‌شد. عبدالکریم سروش، محمد مجتهدشیرازی و مصطفی ملکیان مهم‌ترین چهره‌های دهه هفتادی روشنفکری دینی بودند. نکته جالب توجه اینکه از میان این سه چهره، تنها عبدالکریم سروش تعبیر روشنفکری دینی را قبول داشت و از آن دفاع می‌کرد و مجتهدشیرازی و مصطفی ملکیان هر يك به دلایلی با آن مخالف بودند و آن را نادرست و «پارادوکسیکال» می‌خواندند. با این همه اصطلاح‌های «روشنفکری دینی» و «روشنفکران دینی» در میان جامعه رواج یافت و عموم برای اشاره

این روشنفکران و عموماً روشنفکران و پژوهشگران نوگرایی که یا خاستگاهی دینی داشتند یا در گفتار و نوشتارشان به مضامین دینی می‌پرداختند، از این تعابیر استفاده می‌کردند، البته در این میان برخی هم از تعابیری چون «نواندیش دینی» یا «دین‌اندیش نوگرا یا متجدد» بهره جستند. در هر صورت انگ یا برجسته روشنفکر دینی یا نواندیشی بر این چهره‌ها ماند، اگرچه برخی از آنها در ادامه در فکر و اندیشه دچار تحولات اساسی شدند یا به حوزه‌هایی غیر از مطالعات دینی پرداختند.

مصطفی ملکیان چنانکه اشاره شد، یکی از این روشنفکران یا نواندیشان دینی بود که پیش از آن در دهه 1360 عمده زمان خود را به تحصیل و تدریس و فعالیت در قم گذرانده بود و به گفته خودش تا اوایل دهه 1370 دو دوره فکری یعنی بنیادگرایی دینی، سنت‌گرایی را پشت سر گذاشت. او در نیمه نخست دهه 1370 به جریان نواندیشی یا روشنفکری دینی تمایل پیدا کرد و از میانه این دهه وارد مرحله اگزیستانسیالیستی شد و در نهایت طرح فکری خود را با عنوان عقلانیت و معنویت ارایه کرد. پروژه یا طرحی فکری که نزدیک به ربع قرن است از آن سخن می‌گوید و درباره آن می‌نویسد و به مناسبت آن به حوزه‌های مختلفی چون فلسفه، عرفان، روانشناسی و مطالعات ادیان پرداخته است. ملکیان در طول این 25 سال، بلکه بسیار پیش از آن در دانشگاه‌ها و موسسات خصوصی به تدریس پرداخته و یکی از پیشگامان طرح مباحث کلام جدید، فلسفه اخلاق و روانشناسی دین در ایران محسوب می‌شود.

وجه بارز و متمایز مصطفی ملکیان در میان سایر روشنفکران دینی دهه 1370 که او را حتی از بسیاری از چهره‌های دیگر این جریان مثل محسن کدیور، آرش نراقی، احمد قابل، ابوالقاسم فنایی و ... متمایز می‌سازد، حضور جدی و پررنگ او به عنوان روشنفکر در عرصه عمومی فرهنگی ایران است. بسیاری از روشنفکران یا نواندیشان دینی مثل عبدالکریم سروش و محسن کدیور و آرش نراقی، در طول سال‌های دهه‌های 1380 و 1390 از ایران رفتند و اگرچه بعضاً در میان شاگردان و هواداران خود محفل‌هایی تشکیل داده‌اند و از طریق فضای مجازی، گفتارها و نوشتارهای خود را با علاقه‌مندان‌شان در میان می‌گذارند، اما دیگر در داخل کشور حضور ندارند و غیر از حلقه پیگیران، مخاطبانی عمومی و جوان و غیرمتخصص ندارند. برخی هم چون محمد مجتهدشسترکی کنج عزلت گزیده‌اند و به کار پژوهشی و تحقیقاتی مشغولند و دیدگاه‌های تازه خود را از طریق فضای مجازی با مخاطبان در میان می‌گذارند.

ملکیان اما به‌رغم آنکه از تدریس و حضور در دانشگاه‌ها و موسسات

دولتي منع شده و حضورش در محافل عمومي، بعضا با دشواريهاي همراه است، مهمترين بازمانده نسل روشنفکران دهه هفتادي است که کماکان به طور جدي در حوزه عمومي حضور دارد، براي مخاطباني عمومي سخنراني ميکند، با مطبوعات مکتوب اعم از روزنامه و مجله و رسانههاي تصويري گفتوگو ميکند، کتابهاي جديد را ميخواند و درباره آنها مي نويسد و در جلسه نقد و بررسي آنها شرکت ميکند، براي مطبوعات داخل مي نويسد و از طريق فضاي مجازي به شيوههاي مختلف، نظرات خود را با مخاطبان در ميان ميگذارد. او نسبت به رویدادهاي سياسي و فرهنگي و اجتماعي روز هم بي تفاوت نيست و بعضا اظهارنظرهاي تند و بحثبرانگيز ميکند. اين پيگيري و جدیت و فعاليت مصطفي ملکيان، حتي اگر با دیدگاههاي او موافق نباشيم، قابل احترام و ستايشبرانگيز است.

منبع: روزنامه اعتماد 7 بهمن 1402 خورشيد □